



گفت‌وگو با سودابه بهادری
آموزگار پایه ششم شهرستان تنکابن

مهربان، اما جدی

سهیلانعیمی

معلم تاریخ شهرستان تنکابن

سودابه بهادری، آموزگار پایه ششم ابتدایی دبستان شاهد، در سال ۱۳۵۷ در تنکابن متولد شد. دوره کارشناسی خود را در دبیری ادبیات فارسی در دانشگاه الزهرا (س) گذراند و در سال ۱۳۹۳ نیز در رشته روان‌شناسی عمومی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، فارغ‌التحصیل شد. تألیف کتاب گنجینه ریاضی پایه چهارم و پنجم با هدف انتقال تجربیات آموزشی به دیگر همکاران، از جمله فعالیت‌های او در طی ۲۲ سال سابقه آموزشی است. با ایشان گفت‌وگویی در زمینه «شبهه‌های تدریس و شاداب سازی فضای کلاس» در دفتر محل کارشان انجام داده‌ایم که در ادامه گزارشی از این گفت‌وگو را می‌خوانید:

پدرم معلمی اثرگذار بودند. محل کار پدرم در همان روستای محل زندگی ما بود. ایشان روزهای امتحان بچه‌های ضعیف کلاسشان را به منزل می‌آوردند و بدون دریافت هزینه‌ای از آنان مراقبت می‌کردند تا درسشان را بخوانند. عشق به معلمی از پدرم به من منتقل شد. فکر می‌کنم یاد دادن و آموزش دادن به دیگران، لذتی دارد که ممکن است کارهای دیگر نداشته باشد. دیگر اینکه

گرفتم. بعد از اتمام لیسانس مشغول به کار شدم. کارشناسی ارشدم را در رشته روان‌شناسی عمومی با معدل بالای ۱۹ گرفتم و چند سال است که در دوره ابتدایی مشغول به کارم. در این ۲۲ سال تدریس پایه‌های چهارم و پنجم را به عهده داشتیم و از زمانی که پایه ششم آمده، در این پایه مشغول به کار هستم.

چه شد که معلمی را انتخاب کردید؟

چگونه و در چه سالی وارد آموزش و پرورش شدید؟

از سوم راهنمایی وارد دانشسرای مقدماتی شدم و در سال ۱۳۷۵ دیپلم گرفتم. از آنجا که هنوز ردیف حقوقی برای ورود به دوره ابتدایی برآیمان نیامده بود، در کنکور انسانی شرکت کردم و با رتبه ۱۳۵، دبیری را انتخاب کردم اما به زودی برای کار به تنکابن برگشتم و یک سال از دانشگاه مرخصی



ثمرهٔ معلمی را می‌توان دید.

➤ اگر فرصت مجددی برای انتخاب شغل داشته باشید، همچنان معلمی را انتخاب می‌کنید؟

بله. هر چه می‌گذرد به شغلم علاقه‌مندتر می‌شوم. این علاقه‌مندی را به خانه هم منتقل کرده‌ام. همسر من همیشه می‌گوید: یکی از غبطه‌هایی که به تو دارم این است که از شغلت لذت می‌بری. اعتقاد من به جشنواره‌های تدریس ندارم، چرا که باید حداقل یک ماه از وقت کلاس را صرف تمرین برای حضور در جشنواره کنم. حتی یکی از مدیران به من گفت: جشنواره تدریس سکوی پرتاب معلم است و اگر می‌خواهید شناخته شوید باید در جشنواره‌های تدریس شرکت کنید. اما من ترجیح دادم پشت درهای بسته تدریس کنم و تنها خداوند شاهد و ناظر رفتارم باشد.

➤ در دورهٔ ابتدایی، یک معلم چه مهارت‌هایی باید داشته باشد؟

پایه‌های اول تا سوم ابتدایی را خیلی دوست ندارم، چرا که حس می‌کنم مادری دلسوزانه‌ای می‌خواهد. ممکن است برخی از برخوردها به دید شما، چندان بد نباشد، ولی دانش‌آموزی را افسرده کند. یکی از درگیری‌های من در ایام مدرسه این است که هر شب موقع خواب فکر می‌کنم نکنند امروز بچه‌های را آزرده کرده باشم. نکنند دل دانش‌آموزی را شکسته باشم. نکنند برای دانش‌آموزی کم گذاشته باشم.

➤ این یک حس شخصی و درونی است یا حاصل یک تجربهٔ کاری؟

این اثرگذاری به یکی از خاطرات اولین سال کارم بر می‌گردد. زمانی که دانش‌آموزان دو پایهٔ اول و دوم را داشتیم. در ساعت اول تکالیف را دیدیم و وقتی در ساعت بعد وارد کلاس شدیم، دیدیم یکی از دانش‌آموزانم به نام راحله

اگر از سی دانش‌آموز هم حتی یک دانش‌آموز هم به تعالیم شما عمل کند، یعنی رسالت خود را به خوبی انجام داده‌اید

است. هر معلمی ذاتاً یک سبک مخصوص به خودش را دارد. معتقدم برای کار در این دوره باید مادر بود. با تمام انتقاداتی که به روش توصیفی دارم، این روش را از آن جنبه می‌پسندم که از معلمان خواسته شده تا به تمامی استعدادها و توانمندی‌های بچه‌ها توجه کنند.

➤ مهم‌ترین چالش‌های معلم در دورهٔ ابتدایی چیست؟

بسیاری از چیزهایی که در کلاس می‌گوییم، با بی‌توجهی خانواده‌ها بی‌اثر می‌شود. به جمله‌ای از خانم یوسفی، مدیر مدرسه، که خودم هم به آن رسیدم معتقدم. ایشان همیشه می‌گویند: «اگر از سی دانش‌آموز حتی یک دانش‌آموز هم به تعالیم شما عمل کند، یعنی رسالت خود را به خوبی انجام داده‌اید.» خیلی از اوقات آموزش و پرورش کشورمان با نظام آموزش و پرورش کشورهای دیگر مقایسه می‌شود. احساس می‌کنم این مقایسه ممکن است کار درستی نباشد، چرا که فرهنگ کشورها، امکانات آموزشی و جایگاه اجتماعی معلم‌ها با یکدیگر فرق می‌کند. عوامل مختلفی باید دست به دست یکدیگر دهند تا معلم دغدغه‌ای نداشته باشد. دغدغه‌های مختلف برخی از معلمان

که دانش‌آموز اول بود گریه می‌کند. وقتی علت را از او پرسیدم، گفت: شما مژگان را از من بیشتر دوست دارید. متحیر بودم که دیدم دست دوستش را گرفت و پیش من آورد و گفت: زمانی که داشتید تکالیف را می‌دیدید و برای مژگان مشق‌هایش را خط زدید و امضا کردید و روی دستش را هم امضا کردید. ولی برای من روی دستم امضا نکردید و فقط مشق‌هایم را امضا کردید. خط روی دست مژگان خیلی سهوی کشیده شده بود. آنجا فهمیدم که حرفهٔ سختی را برگزیدم.

➤ ویژگی‌های بارز معلم در این دوره چیست؟

معلمی مثل نویسندگی یک سبک



می‌شود. اول اطلاع از علاقه‌مندی آنان در زمینه‌های رنگ، موسیقی، استعداد‌های آنان و ... دیگر بهره‌گیری علائق در فعالیت‌های کلاسی و در هنگام اهدای جوایز. راهکار دیگر بهره‌گیری از موسیقی‌های هدفمند در ساعات پایانی زنگ کلاس است.

← چه خواسته‌ای از همکاران خود دارید؟

تلاش کنیم دست یکدیگر را بگیریم، چرا که بچه‌ها در این دوره به تمام رفتارهای ما توجه دارند و از آن تأثیر می‌گیرند. دیگر اینکه تجربیات آموزشی خود را در اختیار یکدیگر قرار دهیم. بدانیم که معلمان هیچ‌گاه رقیب یکدیگر نیستند.

← چگونه بین جدی بودن و مهربانی

در کلاس توازن و تعادل برقرار می‌کنید؟ کار سختی است. اشعار زیادی را حفظ هستیم و در این مواقع از طنز استفاده می‌کنم. بچه‌ها عاشق شعرند. یکی از خاصیت آنان فراموشی است. تلاش می‌کنم بچه‌ها شاداب از کلاس بیرون بروند. آنان با این روش یادشان می‌رود که شما چقدر در درس ریاضی یا علوم جدی بودید. با توجه به موضوع درس، از متون کهن در دقایق پایانی کلاس استفاده می‌کنم. متأسفانه هر سال از تعداد متون کهن در کتاب درسی دانش‌آموزان کم می‌شود. در زنگ هنر، متن‌هایی از کلیله و دمنه، قابوسنامه، سیاست‌نامه و تاریخ بیهقی، مثنوی معنوی، بوستان و گلستان برایشان می‌خوانم و می‌خواهم فقط گوش دهند. در مرحله بعد می‌خواهم به تناسب موضوعات نقاشی آن را برایشان بکشند. از این توانایی در حل مسائل ریاضی هم استفاده می‌کنم، چرا که احساس ناتوانی دانش‌آموزان در حل مسائل ریاضی، به خواندن و درک مطلب آنان باز می‌گردد.

است که توانستن ارزش انسان است. وقتی بچه‌ها در برابر سؤال سختی می‌گویند نمی‌توانیم، می‌گویم بگویند نمی‌خواهید. نمی‌توانم‌ها را باید دفن کرد. کاری که خودم عملاً با تاسی از مطالبی که جایی خوانده بودم سر کلاس انجام دادم.

توصیه می‌کنم کسانی که به کلاس می‌روند به این مورد توجه کنند. جنبه دیگری که بر آن تأکید دارم مهربانی است. به بچه‌ها می‌گویم که «مهربانی» شما را به زیباترین فرد جهان تبدیل می‌کند. باید نسبت به

بچه‌ها می‌دانند که
بهترین بودن هدف
ما نیست. نتیجه
مهم نیست، مهم این
است که از آموختن
درسمان لذت ببریم

هم مهربان باشیم و در همه حال به هم کمک کنیم. چیز دیگری که از بچه‌ها می‌خواهم «یادگرفتن معذرت‌خواهی» است. به آن‌ها می‌گویم وقتی از کسی معذرت‌خواهی می‌کنیم، به معنای شکست غرورمان نیست، بلکه به مفهوم نمایش شعورمان است.

← برای ایجاد شادی و نشاط درونی

دانش‌آموزان خود چه روشی دارید؟ در کلاس از دانش‌آموزانم شغل پدر و مادر یا سطح تحصیلات آن‌ها را نمی‌پرسم. کار دیگر این است که از آن‌ها می‌خواهم علاقه‌مندی‌های خود را در زمینه مختلف برایشان بنویسند. این کار با دو هدف انجام

باعث می‌شود نتوانند آن‌طور که باید در کارشان وقت بگذارند. کار دیگری که خودم انجام دادم، تألیف کتب آموزشی در درس ریاضی پایه چهارم و پنجم بود. این کار با هزینه شخصی خودم و بدون حمایت از جایی صورت گرفت. خیلی از همکاران در کلاس به بهترین شیوه کار می‌کنند، اما ابتدا غیر از تسلطی که باید در زمینه کاری پیدا کنند، باید مورد حمایت قرار بگیرند.

← آیا دیگران را به انتخاب شغل معلمی توصیه می‌کنید؟

به دلیل علاقه‌مندی بیش از اندازه خودم و تأثیرگذاری این حرفه، بله.

← توصیه شما به کسانی که این شغل را انتخاب می‌کنند چیست؟

در کلاس قوانین دارم. در کلاس من بچه‌ها می‌دانند که بهترین بودن هدف ما نیست. نتیجه مهم نیست، مهم این است که از آموختن درسمان لذت ببریم. می‌گویم ما فرصتی در دست داریم که هرگز بر نمی‌گردد و خودشناسی بسیار مهم‌تر از خواندن و نوشتن است. از شعارهای اصلی کلاس من نظم، ادب و درس است. شعار دیگر من «خواستن توانستن است» می‌باشد. آنچه به این جمله اضافه کردم این